

دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

مسئولیت کیفری بین الملل

مقدمه

بحث ما، به بررسی کلی مسأله مسئولیت کیفری بین المللی، در قلمرو حقوق بین الملل جزا اختصاص یافته است. رسالت اصلی حقوق بین الملل جزا با قواعد و مقررات ماهوی و شکلی خود و به عنوان «بازوی مسلح» نظام حقوقی بین المللی، دفاع از نظم عمومی بین المللی و مجازات اشخاصی است که با ارتکاب جرایم بین المللی این نظم را مختل می کنند. از خصائص این رشته مطالعاتی از یک سو، «بین المللی بودن قواعد و مقررات کیفری» آن، و از سوی دیگر، «بین المللی بودن اشخاصی» است که ممکن است این قواعد و مقررات را نقض کنند و بدین ترتیب مرتکب جرم بین المللی یا ورود خسارت نسبت به شخص بین المللی دیگر یا افراد عادی شوند. این اشخاص عمدتاً دولتها یا کارگزاران آنها - وقتی که به نام آنان عمل می کنند - هستند، یعنی دولتها و عمال آنها ممکن است در طول حیات بین المللی خود و در روابطی که با دیگر کشورها دارند مرتکب فعل یا عامل ترک فعلی باشند که مسئولیت بین المللی برای آنها ایجاد کند. قواعد و مقررات بین المللی کیفری مذکور در فوق، عمدتاً، در مراجع بین المللی، از جمله سازمان ملل متحد و ارکان وابسته به آن، تهیه و تدوین

می گردد.

مسئولیت یکی از ارکان اساسی هر نظام حقوقی است. ماهیت حقوق، ساختار تکالیفی که در برابر این حقوق قرار می گیرد و ماهیت ضمانت اجراهایی که در صورت نقض آنها قابل اعمال است در مفهوم مسئولیت مستتر می باشد.

اما مسئولیت به دو نوع تقسیم می شود: مسئولیت مدنی که ناظر بر ترمیم خسارت وارده است،^۱ و مسئولیت کیفری که عمدتاً ناظر به سرکوبی جرم و مجازات بزهکار است.^۲ در کنفرانس امروز، نوع اخیر مسئولیت در حقوق بین الملل مورد نظر ما قرار خواهد گرفت.

الف- تعریف مسئولیت بین المللی

تعاریف مختلفی از مسئولیت بین المللی شده است که بعضاً مکمل یکدیگرند. طبق یک تعریف کلی، «مسئولیت بین المللی، تکلیفی است که بنابر حقوق بین الملل، به عهده دولتی که فعل یا ترک فعل مخالف تعهدات بین المللی اش قابل انتساب به او می باشد، گذارده می شود تا خسارات وارده به دولت دیگر یا به شخص یا اموال شهروندان آن دولت را - که از آن فعل یا ترک فعل ناشی می شود - جبران کند».^۳ مسئولیت بین المللی را غالباً به عنوان «نتیجه نقض یک تعهد و الزام بین المللی» نیز قلمداد کرده اند. در این تعریف، مسئولیت، با توجه به خصیصه نامشروع عملی که آن را ایجاد می کند، مورد توجه قرار گرفته است. پاره ای از نویسندگان، با عنایت به محتوی و هدفی که بینش تحقیقی کلاسیک به

۱. در این مورد رک: کاتوزیان (دکتر ناصر)؛ ضمان قهری و مسئولیت مدنی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰؛ حسینی نژاد (دکتر حسینقلی)، مسئولیت مدنی، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳.

۲. در این مورد رک: علی آبادی (دکتر عبدالحسین)، حقوق جنایی، جلد اول، ۱۳۴۷، ص ۱۳۲ و بعد؛ نوریها (دکتر رضا)، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۷۱ و بعد.

3. Dictionnaire de la terminologie du Droit international, Ed. Sirey, Paris, 1960, P. 541.

مسئولیت بین المللی اختصاص داده است، معتقدند که مسئولیت بین المللی عبارت است از «الزام (تکلیف) به ترمیم خساراتی که اعمال خاص قابل انتساب به شخص دولت به وجود آورده است». و بالاخره عده ای از نویسندگان و مراجع بین المللی - از جمله کمیسیون حقوق بین الملل - با توجه به رابطه جدیدی که میان مباشر عمل موجد مسئولیت و سایر تابعان حقوق بین الملل به وجود می آید، مسئولیت بین المللی را تعریف کرده اند. با توجه به این معیار، «مسئولیت بین المللی هرگونه روابط جدیدی در حقوق بین الملل می باشد که ممکن است از ارتکاب عمل بین المللی نامشروع دولت به وجود آید، خواه این روابط محدود به رابطه بین دولت مباشر عمل نامشروع و دولت مستقیماً متضرر از آن عمل باشد و خواه به سایر تابعان حقوق بین الملل نیز تسری پیدا کند». تعریف اخیر که در متن پیش نویس مواد راجع به مسئولیت دولت مورد توجه اعضای کمیسیون حقوق بین الملل واقع شده است، مبین مفهوم گسترده ای از مسئولیت بین المللی است، به طوری که بتوان رسالتهای متعددی را برای آن در نظر آورد: ترمیم و مجازات، یعنی مسئولیت مدنی بین المللی و مسئولیت کیفری بین المللی.

نظریه کلاسیک حقوق بین الملل مدافع وحدت مسئولیت در زمینه بین المللی بود؛ یعنی از یک سو، وحدت رابطه حقوقی را که فقط دولت مرتکب عمل نامشروع را در مقابل دولت خسارت دیده و «متضرر» مستقیم قرار می دهد، مورد تأکید قرار داده است که در این صورت دولت اولی مکلف به ترمیم خسارات دولت دومی است و از سوی دیگر، به وحدت رسالت مسئولیت که صرفاً منجر به ترمیم می گردد نظر داشته است.

4. Dupuy (P.-M), "Le fait générateur de la responsabilité internationale des Etats", RCADI, 1984, V, p. 25;

همچنین در خصوص تعاریف دیگر مسئولیت بین المللی دولتها رک: فیوضی (دکتر رضا)،

مسئولیت بین المللی و نظریه حمایت سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲؛

Dupuy (P.-M), Droit international public, précis Dalloz, Paris, 1992, pp. 329 et s.

۵. در مبحث دوم همین نوشتار، این مفهوم از مسئولیت مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

ب - فرآیند تاریخی مفهوم مسئولیت بین المللی

در عصر «جامعه ملل»، یعنی در واقع در فاصله زمانی میان دو جنگ جهانی، معاهده کمکهای متقابل ۱۹۲۳ جامعه ملل برای نخستین بار «جنگ تجاوزکارانه» را یک «عمل نامشروع بین المللی» متمایز از سایر «اعمال نامشروع بین المللی» تلقی کرد و به آن وصف «جنایت» بین المللی داد، بدان جهت که جنایت در حقوق جزای داخلی، شدیدترین نوع جرم است، و بنابراین جنایت قلمداد کردن جنگ تجاوزکارانه، آن را در ردیف «خطرناک ترین» اعمال نامشروع بین المللی قرار می دهد، لیکن آن را دارای همان آثار کیفری ندانست که جنایت در حقوق داخلی به بار می آورد. به موازات آن اقدامات، دانشمندان حقوق جزا و انجمن بین المللی حقوق جزا (در سال ۱۹۲۸) و انجمن حقوق بین الملل (در سال ۱۹۲۶) پیشنهاد کردند که علاوه بر نظام مسئولیتی که رسالت آن ترمیم خسارات ناشی از ارتکاب عمل نامشروع بین المللی است، برای نقض پاره ای مقررات اساسی حقوق بین الملل، نظام مسئولیت خاصی نیز پیش بینی شود که دولت متخلف را مجازات کند؛ یعنی آنکه دولت مرتکب چنین نقضی با ضمانت اجرایی رو به رو شود که جنبه تریبی دارد و نه جنبه ترمیمی صرف.^۶

معاهده صلح ۱۹۱۹، مشهور به معاهده ورسای که ضمن پایان دادن به جنگ جهانی اول، جامعه ملل را نیز به وجود آورد، در ماده ۲۷۷ خود، یکی از نخستین موارد مسئولیت کیفری بین المللی رئیس حکومت را پیش بینی نمود و مقرر داشت که ویلهلم دوم، امپراتور آلمان، به سبب «لطمه شدیدی که به اخلاق بین المللی و قداست معاهدات زده است باید محاکمه گردد».^۷ مفاد این ماده و پیشنهادهای انجمنهای علمی، از یک سو مبین ظهور گرایش جدیدی در حقوق بین الملل بود که در اثبات مفهوم مسئولیت کیفری بین المللی ثابت قدم بود و از سوی دیگر، سابقه ای به

6. Cf. Bassiouni (ch), "Le Droit pénal international: son histoire, son objet, son contenu", in Rev. Internationale de droit pénal, Ed, Erès, 1981, pp. 43 et s.

7. Stern (B), "Les problèmes de responsabilité posés par la crise et la "guerre" du Golfe", in les aspects juridiques de la crise et de la guerre du Golfe, Ed. Montchrétien, Paris, 1991, p. 330.

شمار می آمد برای مطالعات بعدی پیرامون تدوین قواعد و مقررات مربوط به مسئولیت کیفری بین المللی. بدین ترتیب بود که در سطح بین المللی کوششهایی به منظور تهیه و تدوین ابزارهای فنی حقوق بین الملل جزای شکلی و حقوق بین الملل جزای ماهوی - که مسأله مسئولیت کیفری یکی از مباحث مهم آن را تشکیل می دهد - آغاز گردید.

جنگ دوم جهانی و تحولات حقوقی - سیاسی بزرگی که متعاقب آن به وجود آمد، ضرورت تدوین سریع یک سلسله مقررات بین المللی کیفری را آشکارتر ساخت. زیرا تجربه جنگ، جامعه بین المللی را متوجه ساخت که صلح و امنیت جهانی تا چه اندازه آسیب پذیر است، و حفظ آن از طریق ایجاد ابزارها و عناصر حقوقی و نیز نهادهای عملی و منسجم کیفری در آینده تا چه میزان حیاتی می نماید. تأسیس سازمان ملل متحد در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ به منظور پاسداری از صلح و امنیت جهانی و نیز استقرار همکاریهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان دولتها، مصداق تحقق این اندیشه و از جمله ابزارهای مذکور بود. بنابراین پایان جنگ دوم جهانی و به دنبال آن تأسیس سازمان ملل متحد، مرحله مهمی در تحولات حقوق بین الملل در قلمرو کیفری محسوب می شود که به عصر «ملل متحد» مشهور شده است.

ج- طرح تحقیق و کنفرانس

با توجه به آنچه گفته شد، موضوع مسئولیت کیفری بین المللی در عصر «ملل متحد» طی دو مبحث مورد بررسی ما قرار خواهد گرفت: در مبحث نخست، از مسئولیت کیفری بین المللی در قلمرو جرایم حقوق بین الملل - یعنی جرایمی که در معاهدات و سایر اسناد بین المللی پیش بینی شده اند - و در مبحث دوم، مسئولیت کیفری بین المللی ناشی از ارتکاب جرایم جنایی (جنایات) بین المللی - یعنی جرایمی که در قالب پیش نویسهای کمیسیون حقوق بین الملل پیش بینی شده اند - سخن خواهیم گفت.

مبحث نخست

مسئولیت کیفری بین المللی ناشی از جرایم حقوق بین المللی

محاكمات و احكام دادگاههای نورنبرگ و توكيو اصولی را در قلمرو بین المللی کیفری بنا نهادند که به «حقوق جزای نورنبرگ» مشهور شده است. در گفتار اول، مسئولیت کیفری بین المللی در این حقوق بررسی خواهد شد.

اما با توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد، به تدریج یک سلسله معاهدات تدوین و به تصویب رسیدند که هر کدام از آنها یک جرم خاص بین المللی را با رژیم کیفری خاص آن ایجاد نمود. در گفتار دوم به عنوان نمونه به پاره‌ای از این معاهدات اشاره کرده و مسئولیت کیفری بین المللی را آنطور که این معاهدات تبیین کرده‌اند، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گفتار اول

مسئولیت کیفری بین المللی در حقوق نورنبرگ

اندیشه محاکمه و مجازات کسانی که جنگ جهانی دوم را آغاز کردند و یا در جریان آن، مرتکب «جرایم جنگی» شدند برای نخستین بار در اعلامیه مسکو ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ از سوی متفقین اعلام شد. با پیروزی متفقین، اعلامیه لندن ۸ اوت ۱۹۴۵ به امضای ایالات متحده آمریکا، انگلستان، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جمهوری فرانسه رسید.^۸ اعلامیه اخیر راجع بود به: تعقیب و مجازات مجرمین «بزرگ» جنگی که از اتباع کشورهای اروپایی محور، یعنی آلمان و ایتالیا، بودند. با الهام از مفاد این اعلامیه، ژنرال مک آرتور نیز اعلامیه مشابهی تهیه کرد که موضوع آن محاکمه و مجازات مجرمین جنگی ژاپنی بود. این دو اعلامیه و ملحقات آن، دادگاه نظامی بین المللی نورنبرگ در اروپا و دادگاه نظامی

8. Bassiouni (Ch). op. cit., p. 80.

بین‌المللی توکیو در خاور دور و اساسنامه آنها را به وجود آوردند. ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورنبرگ و ماده ۵ اساسنامه دادگاه توکیو سه نوع وصف یا عنوان مجرمانه نسبتاً موسع را پیش‌بینی کردند: جرایم علیه صلح، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که نویسندگان این دو متن، مفهوم جنگ و وقایع ناقض عرف و مقررات حاکم بر جنگ را که از آن ناشی می‌شود (مفهوم حقوقی بین‌المللی) با مفهوم جنایت (مفهوم حقوقی کیفری داخلی) مرتبط ساختند. بطور خلاصه باید گفت که جرایم علیه صلح، عمدتاً همان جنگهای تجاوزکارانه یا ناقض معاهدات و موافقتنامه‌های بین‌المللی است؛ جرایم جنگی عمدتاً شامل نقض عرف و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه می‌شود؛ و جرایم علیه بشریت عمدتاً شامل قتل، کشتار، امحاء یا هر عمل غیرانسانی علیه گروهها یا جمعیت‌های نژادی، مذهبی سیاسی خاص و غیره می‌شود. اگر ارتکاب دو نوع جرم اولی در طول جنگ قابل تصور است، در عوض ارتکاب جرایم نوع سوم لزوماً با شروع یا ادامه جنگ همراه نیست و ممکن است در زمان صلح نیز به وقوع بپیوندد.

ماده هفت اساسنامه دادگاه نورنبرگ و ماده شش اساسنامه دادگاه توکیو در مورد مسئولیت کیفری ناشی از ارتکاب جرایم مذکور در بالا

۹. در اینجا نیز هدف تدوین کنندگان دو اساسنامه از کاربرد واژه crime، بیشتر تأکید بر شدیدترین نوع جرم در سطح بین‌المللی بوده است و نه بر مفهومی که crime (جنایت)، از نظر آثار کیفری، در حقوق داخلی دارد. بنابراین می‌توان در فارسی به جای جرایم علیه صلح، جرایم جنگی، ...، جنایات علیه صلح، جنایات جنگی، ... را نیز بکار برد.
۱۰. توضیح آنکه معاهده بریان کلوگ ۲۷ اوت ۱۹۲۸ جنگ را غیرقانونی (نامشروع) اعلام نمود، لیکن آن را جرم از نوع جنایت تلقی نکرد.
۱۱. گفتنی است که پاره‌ای از قوانین کیفری داخلی نیز، از جمله قانون جزای کانادا (از طریق تصویب لایحه قانونی C-71 در ۱۹۸۷ در پارلمان آن کشور) و قانون جزای جدید فرانسه (۱۹۹۲)، در بخش جرایم علیه اشخاص، «جرایم علیه بشریت» را پیش‌بینی کرده‌اند و بدین ترتیب مفهوم «جرایم علیه بشریت» را، صرف نظر از اسناد و مدارک رسمی بین‌المللی موجود در این خصوص، توسط قانونگذاران ملی وارد حقوق جزای داخلی نموده‌اند.

تدوین شده است: اگر مباشر جرم مأمور باشد، دستور ما فوق که منجر به ارتکاب جرم شده است، اصولاً وی را از مسئولیت مبری نمی‌کند؛ هرگاه مباشر این قبیل جرایم، رئیس حکومت یا رئیس دولت باشد، از هیچ مصونیتی برخوردار نیست و مسؤول می‌باشد. به عبارت دیگر، عنوان ریاست دولت یا ریاست حکومت، موجبی برای زایل شدن مسئولیت کیفری بین‌المللی شخصی که دارای چنان موقعیتهایی است، نمی‌گردد.^{۱۲}

بدین ترتیب دادگاههای مزبور افرادی را که مرتکب یکی از این جرایم شده بودند محاکمه، محکوم و مجازات نمودند و بنابراین اشخاص عادی را از نظر حقوق بین‌الملل جزا مسؤول تلقی کردند و نه دولتهای متبوع آنها را. اما باید اضافه کرد که هدف نهایی این محاکمات، در واقع، محاکمه، محکومیت، افشاء و «تقبیح بین‌المللی» دولتهایی بود که عده‌ای به عنوان عمال به نام و در اجرای نیات آنها، مرتکب جرایم علیه صلح، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت شده بودند.^{۱۳}

از نظر حقوق جزای داخلی، دو ایراد اساسی به محاکمات و احکام دادگاههای نظامی بین‌المللی نورنبرگ و توکیو وارد شده است. به موجب نخستین ایراد که جنبه ماهوی دارد، اصل مهم «قانونی بودن یا قانونمندی جرایم و مجازاتها» که بنا برآن هیچ جرم و هیچ مجازاتی بدون قانون قبلی مصداق ندارد، رعایت نگردیده است؛ یعنی افراد در رابطه با اعمالی محاکمه، محکوم و مجازات شده‌اند که در زمان ارتکاب آنها در حقوق بین‌الملل جزا مجرمانه تلقی نشده بودند و بنابراین بسیاری از صاحب‌نظران، احکام محکومیت کیفری دادگاههای مذکور در بالا را قانونی به شمار نیاوردند. به موجب ایراد دوم که جنبه شکلی دارد، محاکمات در دادگاههایی جریان داشته‌اند که جنبه خاص و گذرا (ad hoc) داشته است و آیین دادرسی کیفری خاصی در آنها رعایت شده است که به مانند آیین دادرسی معمول در دادگاههای کیفری نهادی داخلی، اسباب رعایت و تحقق

12. Stern (B), op. cit., p. 333.

13. دویوبی (بی‌ا.ماری)، جرم بین‌المللی دولت، ترجمه نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی، شماره ۱۳، ۱۳۶۹، ص ۲۷۵.

کلیه حقوق متهم را در زمان رسیدگی به اتهامات وی فراهم نکرده است، و بنابراین برای کسانی این تصور پیش آمد که احکام کیفری این دادگاهها عادلانه نبوده است.

این تجربه بین‌المللی قضایی و واکنشهای علمی-سیاسی که به دنبال آن به وجود آمد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد را بر آن داشت تا با استفاده از آنها، کار تدوین مقررات کیفری جامعی را که برای ایجاد نظام بین‌المللی کیفری عملی، ضروری است، آغاز نماید. بنابه درخواست مجمع عمومی، کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۵۰ «اصول بین‌المللی کیفری» را از اساسنامه‌ها، محاکمات و احکام دادگاههای مذکور در بالا استخراج و با تعبیر جدیدی ضمن هفت فصل تدوین نمود.^{۱۴} این اصول عموماً اصول اساسی حقوق بین‌الملل کیفری قلمداد می‌شود. از جمله:

در فصل اول، مباشر عملی را که جرم (جنایت) بین‌المللی محسوب می‌شود مسئول دانسته و مستوجب مجازات اعلام می‌کند؛ در فصول سه و چهار، به مسئولیت کیفری بین‌المللی افراد، یعنی رئیس حکومت، رئیس دولت و مأمور یک دولت - مرتکب جرم بین‌المللی - اشاره شده است؛ در فصول دیگر جرایم بین‌المللی تعریف می‌شوند که در واقع همان عناوین مجرمانه مندرج در اساسنامه نورنبرگ است.

جرایم بین‌المللی مورد اشاره در بالا که امروز از آنها بیشتر تحت عنوان «جرایم حقوق بین‌الملل» یاد می‌شود، در واقع فعل یا ترک فعل نامشروع دولت است که به تدریج به عنوان جرم (جنایت)^{۱۵} در قالب «اصول بین‌المللی کیفری»، معاهدات و سایر اسناد بین‌المللی وارد حقوق بین‌الملل عمومی شده و بدین ترتیب است که اکنون بیست و چهار^{۱۶} جرم بین‌المللی مختلف با رژیمهای کیفری خاص هر یک، در «حقوق بین‌الملل

۱۴. سایر مطالعات و اقدامات کمیسیون حقوق بین‌الملل در این خصوص در مبحث دوم مطالعه خواهد شد.
15. Crime.

۱۶. تجاوز، جرایم جنگی، کاربرد غیرقانونی تسلیحات (به عنوان یک جرم جنگی)، کشتار جمعی، جرایم علیه بشریت، تبعیض نژادی و آبارتاید، برده‌داری و جرایم وابسته، شکنجه (به عنوان یک جرم جنگی)،

جزای قراردادی»، یعنی حقوق بین‌الملل جزای مبتنی بر معاهدات بین‌المللی، وجود دارد.

گفتار دوم

مسئولیت کیفری بین‌المللی در معاهدات بین‌المللی

مبنای قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل در قلمرو رفتار بین‌المللی دولتها، در حقوق بین‌الملل عرفی قرار دارد، لیکن مقررات مزبور به تدریج در قالب فرآیند تدوین و تصویب معاهدات بین‌المللی متعددی گسترش یافته و به شکل امروزی آن درآمده است. به همین جهت، غالباً «حقوق بین‌الملل عرفی» را از «حقوق بین‌الملل قراردادی» - که در عین حال که مکمل یکدیگرند جهت توسعه تدریجی این رشته مطالعاتی، یعنی حقوق بین‌الملل عمومی را نیز مشخص می‌سازند - تفکیک کرده‌اند.

این معاهدات عمدتاً راجع به اعمالی است که نقض حقوق بشر را به دنبال دارند و موجبات لطمه به مقام و منزلت بشریت را فراهم می‌سازند، یا تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی محسوب می‌شوند. به عنوان نمونه، به معاهدات چهارگانه ژنو^{۱۷} که از منابع اساسی حقوق بین‌الملل کیفری است و نیز بطور مختصر، به مسأله رژیم مسئولیت کیفری بین‌المللی در آنها می‌پردازیم: کمیته بین‌المللی صلیب سرخ معاهدات چهارگانه ۱۲ اوت

آزمایشهای غیرقانونی بر روی انسان (به عنوان یک جرم جنگی)، راهزنی دریایی، هواپیما ربایی، جرایم علیه امنیت حمل و نقل دریایی بین‌المللی، تهدید و کاربرد زور علیه اشخاصی که از نظر بین‌المللی مورد حمایت هستند، گروه‌انگیزی افراد غیرنظامی، جرایم مربوط به مواد مخدر، خرید و فروش بین‌المللی نثریات قبیحه و مبتذل، تخریب یا غارت ذخائر ملی (در زمان جنگ و از جهاتی در زمان صلح)، حفاظت از محیط زیست (بعضی جوانب آن)، سرقت مواد هسته‌ای، استفاده غیرقانونی از پست، دستکاری و دخالت در کابل‌های زیردریایی، مزدورگیری، و تقلب و جعل اسناد و مدارک. در این مورد رک:

Bassiouni (ch), The history of the Draft code of crimes against the peace and security of mankind, in Commentaires on the international Law commission's 1991 Draft Code of crimes against the peace and security of mankind, Nouvelles Etudes Pénales, n° 11, Ed. Erès, 1993, p.2.

۱۷. ایران در آذرماه ۱۳۳۴ به این معاهدات پیوسته است.

۱۹۴۹ و متعاقب آن پروتکل‌های متمم ۸ ژوئن ۱۹۷۷ آن را که همگی درباره حقوق بشر دوستانه^{۱۸} می‌باشند، منتشر ساخت.

این معاهدات که برای تدوین آنها در واقع از «اصول بین‌المللی کیفری» الهام گرفته شده است به ترتیب عبارتند از: معاهده راجع به بهبود وضعیت مجروحان و بیمارانی که در ستون جنگی به خدمت اشتغال دارند؛ معاهده راجع به بهبود وضعیت مجروحان و بیماران و مغروقی‌ن نیروهای دریایی؛ معاهده راجع به رفتار با اسیران جنگی؛ معاهده راجع به حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ؛ و پروتکل‌های متمم آن به ترتیب عبارتند از: پروتکل (۱) حمایت از مصدومین مخاصمات نظامی بین‌المللی و پروتکل (۲) حمایت از مصدومین مخاصمات نظامی غیر بین‌المللی.

مفاد دو ماده که راجع به جرایم علیه این معاهدات و مجازات‌های آنها می‌باشد، به صورت مشترک و با انشایی یکسان در همه معاهدات آورده شده است: به موجب ماده ۴۹ کنوانسیون ۱، ماده ۵۰ کنوانسیون ۲، ماده ۱۲۹ کنوانسیون ۳ و ماده ۴۶ کنوانسیون ۴ ژنو کلیه طرف‌های امضاکننده متعهد شده‌اند که هرگونه اقدام تقنینی لازم برای تعیین ضمانت اجرای (مجازات‌های) مناسب نسبت به اشخاصی که یکی از جرایم خطرناک معاهدات را مرتکب شوند یا دستور ارتکاب آن را بدهند، اتخاذ نمایند... به موجب ماده ۵۰ کنوانسیون ۱، ماده ۵۱ کنوانسیون ۲، ماده ۱۳۰ کنوانسیون ۳ و ماده ۱۴۷ کنوانسیون ۴ جرایم شدید (خطرناک) شامل جرایمی است که متضمن ارتکاب یکی از اعمال زیر باشد: اعمال علیه اشخاص یا اموالی که در معاهدات چهارگانه مورد حمایت قرار گرفته‌اند، قتل عمدی، شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی، آزمایش‌های زیست‌شناختی بر روی افراد، تملک یا مصادره ناموجه اموال،...

بدین ترتیب در معاهدات چهارگانه: ۱. مسئولیت کیفری بین‌المللی متوجه اشخاص حقیقی و افراد عادی است و دولتها به لحاظ نقض مقررات

۱۸. گلیبار (کلود آلبر)، نهادهای روابط بین‌الملل، ترجمه و تحقیق از دکتر هدایت‌الله فلسفی، نشر نو،

این معاهدات دارای نوعی مسئولیت مدنی بین المللی شده اند، یعنی مسئولیتی که نتیجه آن الزام به ترمیم خسارات وارده یا تکلیف به اعاده وضع موجود به حالت سابق است: ۲. برای محاکمه و مجازات مجرمین در اثر ارتکاب جرایم خطرناک، نوعی صلاحیت جهانی پیش بینی شده است، بدین معنی که هر دولتی که چنین مجرمینی را در سرزمین خود پیدا یا دستگیر نماید، مکلف به محاکمه و مجازات یا استرداد آنها به دولت متقاضی است: ۳. دولتهای امضاکننده مکلفند جرایم و مقررات مربوط در معاهدات چهارگانه را در نظام جزایی خود وارد کنند.

با توجه به آنچه گفته شد می توان معتقد بود که موارد زیر در حقوق بین الملل جزای کنونی جرم (جنایت) محسوب می شوند: ۱. نقض اصول بین المللی کیفری منبعت از «حقوق نورنبرگ»: ۲. نقض عمده مقررات معاهدات چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکلهای متمم ۱۹۷۷ آن؛ ۳. و بالاخره نقض مقررات سایر معاهدات و اسناد بین المللی، از جمله معاهده پیشگیری و مجازات جرم کشتار جمعی ۱۹۴۸ که در ۱۲ ژانویه ۱۹۵۱ لازم الاجرا شد^{۲۰} و معاهده بین المللی پیشگیری و جرم آپارتاید ۱۹۷۲ که در ژوئیه ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد.^{۲۱}

مسئولیت کیفری بین المللی و نظام حقوقی خاص هر یک از این جرایم در حقوق بین الملل جزا، برحسب مورد، در معاهده مربوط پیش بینی شده است؛ لیکن اصولاً مسئولیت کیفری بین المللی برای اشخاص مجرم بین المللی، صرف نظر از مقام، عنوان رسمی سیاسی، اجرایی و شغلی در

۲۰. در این مورد رک: کاسیه (آنتونیو)، جامعه بین المللی و کشتار جمعی، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰، ۱۳۷۱، ص ۲۱۹ و بعد: اردبیلی (دکتر محمدعلی)، کشتار جمعی، مجله حقوقی، شماره ۱۱، ۱۳۶۸.

۲۱. در خصوص معاهده ضد شکنجه و سایر مجازاتها یا رفتارهای بسیار خشن، غیر انسانی یا تحقیرکننده، رک: نوربها (دکتر رضا)، شکنجه در کنوانسیون ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد، مجله کانون وکلا، شماره های ۱۴۸-۱۴۹، ۱۳۶۸، ص ۱۹۱ و بعد: اردبیلی (دکتر محمد علی) شکنجه، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹، ۱۳۷۰، ص ۱۸۱ و بعد.

سلسله مراتب حقوقی-اداری-سیاسی دولت متبوع آنها، مورد توجه تدوین کنندگان معاهدات قرار گرفته است و مسئولیت بین‌المللی دولتهای مجرم از نوع مدنی بوده و مستلزم ترمیم، جبران خسارت، قطع عمل مجرمانه، اعاده وضع به حالت سابق و پرداخت غرامت است. در اکثر موارد، رسیدگی به جرایم مجرمین بین‌المللی در صلاحیت دادگاههای قضایی کیفری داخلی کشورهای عضو معاهده مربوط تعیین شده است.

برای رفع این مشکل، یعنی رفع تشتت و تفاوت رژیمهای کیفری بین‌المللی از نظر نوع و ماهیت مسئولیت، نوع مرجع قضایی صلاحیتدار برای رسیدگی به مجرمین بین‌المللی، ... و به منظور تدوین یک سلسله مقررات متحدالشکل بین‌المللی کیفری که ابزارهای قهری مؤثر و منسجم برای حفظ و دفاع از نظم عمومی بین‌المللی به شمار می‌آیند، کمیسیون حقوق بین‌الملل از همان ابتدای کار و بنابر مأموریتهای متعدد و متنوعی که مجمع عمومی سازمان ملل به آن محول نموده بود، سرگرم بررسی، مطالعه و تدوین اینگونه مقررات در قالب طرحهای کیفری مختلف شده است.

مبحث دوم

مسئولیت کیفری بین‌المللی ناشی از جنایات بین‌المللی

مجمع عمومی در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷، یعنی همزمان با تأسیس کمیسیون حقوق بین‌الملل، طی قطعنامه شماره (۲) ۱۷۷ به این کمیسیون مأموریت داد که: الف) اصول حقوق بین‌الملل را که در اساسنامه و در احکام دادگاه نورنبرگ وجود دارد استخراج کند و ب) طرح «مجموعه مقررات (قانون) مربوط به جرایم علیه صلح و امنیت بشری» را با توجه به اصول یاد شده در بند الف تنظیم کند.^{۲۲} مجمع عمومی به موجب قطعنامه

22. Draft Code of crimes against the peace and security of mankind.

۲۳. فلسفی (دکتر هدایت الله)، شورای امنیت و صلح جهانی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸، ۱۳۶۹،

ص ۸۰، باورقی ۹۳.

(V) ۴۸۹ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۵۰ مأموریت دیگری به کمیسیون داد و آن عبارت بود از تدوین طرح «اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی».^{۲۳} مأموریت سوم کمیسیون حقوق بین الملل در سال ۱۹۵۵، تدوین طرح «مواد مربوط به مسؤولیت دولت»^{۲۴} بود.

با توجه به موضوع کنفرانس ما و با عنایت به اینکه کار تدوین طرحهای کمیسیون در مورد «قانون جرایم (جنایات) علیه صلح و امنیت بشری» و «مواد مربوط به مسؤولیت دولت» پیشرفته تر است و به تصویب موقت کمیسیون حقوق بین الملل نیز رسیده است، مسأله مسؤولیت کیفری بین المللی را در این دو طرح طی دو گفتار بررسی می کنیم.

گفتار اول

مسئولیت کیفری بین المللی در پیش نویس قانون جرایم (جنایات) علیه صلح و امنیت بشری

این طرح مشتمل بر ۲۶ ماده است.^{۲۵} مواد ۱ تا ۱۴، موضوع بخش اول طرح، شامل اصول جزایی عمومی است و دوازده ماده دیگر که موضوع بخش دوم را تشکیل می دهد، در واقع بخش جزای اختصاصی طرح می باشد که طی آن، دوازده جرم (جنایت) بین المللی علیه صلح و امنیت بشریت

۲۴. در این مورد رک:

Bassiouni (ch), Draft statute International criminal Tribunal, Nouvelles Etudes Pénales, Ed. Erès, Toulouse, France, 1992.

25. Draft Articles on State Responsibility.

۲۶. گفتنی است که به موجب قطعنامه ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ مجمع عمومی، به کمیسیون مأموریت جدیدی

محول گردید و آن عبارت بود از تدوین طرح «مسئولیت بین المللی آثار زیان بار ناشی از فعالیت‌های منع نشده در حقوق بین الملل» (International liability for injurious consequences arising out of acts not

prohibited by International Law). آقای روبرت کانتن-باکستر گزارش مربوط به این طرح را در تاریخ

۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ به کمیسیون تقدیم کرد.

۲۷. برای توضیحات بیشتر پیرامون این طرح رک: خزانی (منوچهر)، نجفی ابرندآبادی (علی حسین)،

«درآمدی بر طرح قانون بین الملل جزا»، زیر چاپ در مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی.

احصاء و تعریف شده است.^{۲۸} مواد ۳، ۵ و ۱۳ این پیش نویس راجع به مسئولیت است.

به موجب بند ۱ ماده ۳ با عنوان مسئولیت و مجازات، هر فردی که مرتکب جرم علیه صلح و امنیت بشریت گردد، مسؤول و مستوجب مجازات است. این بند ناظر به مسئولیت کیفری فردی به لحاظ ارتکاب یکی از جرایم (جنایات) بین المللی بر ضد صلح و امنیت بشری می باشد و از مسئولیت کیفری دولت سخنی به میان نمی آورد. اگر فرد به عنوان «عامل یک دولت»، «به حساب یک دولت»، «به نام یک دولت» یا بدون اینکه اختیار قانونی داشته باشد، به عنوان عامل دولت مرتکب یکی از جنایتهای پیش بینی شده در این طرح شود، در واقع جنایت ارتكابی منتسب به دولت است و برای دولت، مسئولیت ایجاد می شود، لیکن کمیسیون حقوق بین الملل در، سی و ششمین جلسه خود تصمیم گرفت که در طرح حاضر کار خود را محدود به مسئولیت کیفری بین المللی افراد نماید.

ماده ۵ تحت عنوان «مسئولیت دولتها» مقرر می دارد: تعقیب یک متهم به ارتکاب جرم علیه صلح و امنیت بشری، دولت را از مسئولیت خود در حقوق بین الملل از بابت هر فعل یا ترک فعل قابل انتساب به آن، معاف نمی سازد. صدر این ماده مجدداً به مسئولیت کیفری فردی اشاره می کند، حال چنانچه فرد به نام یا به حساب دولت یا به عنوان عامل آن، مرتکب یکی از جرایم مندرج در طرح شود و بتوان از این طریق آن را به دولت متبوعه منتسب نمود، دولت هم مسؤول می باشد، لیکن نوع و رژیم مسئولیت بین المللی دولت در این ماده مسکوت گذاشته شده است. کمیسیون حقوق بین الملل معتقد است که در چنین مواردی دولت ملزم به

۲۸. این جنایات عبارتند از: تجاوز (ماده ۱۵)، تهدید به تجاوز (ماده ۱۶)، مداخله (ماده ۱۷)، سلطه استعمارگرانه و سایر اشکال استیلای خارجی (ماده ۱۸)، کشتار دسته جمعی (ژنوساید) (ماده ۱۹)، تبعیض نژادی (آپارتاید) (ماده ۲۰)، نقض با برنامه یا وسیع حقوق بشر (ماده ۲۱)، جرایم جنگی فوق العاده مهم (ماده ۲۲)، استخدام، بکارگیری، تأمین مالی و آموزش مزدوران (ماده ۲۳)، تروریسم بین المللی (ماده ۲۴)، قاچاق مواد مخدر (ماده ۲۵) و صدمات عمدی و شدید به محیط زیست (ماده ۲۶).

ترمیم خسارات ناشی از جنایت عمال خود خواهد بود، یعنی در واقع مسئولیت مدنی بین المللی دولت مطرح می شود.

بنابر ماده ۱۳ با عنوان «موقعیت رسمی و مسئولیت کیفری»، مقام رسمی مباشر جرم علیه صلح و امنیت بشری، و خصوصاً اینکه شخصی به عنوان رئیس کشور یا دولت عمل نموده باشد، مرتکب را از مسئولیت کیفری معاف نمی کند. مبنای مفاد این ماده، عیناً در مقررات اساسنامه های دادگاه های نظامی بین المللی نورنبرگ و توکیو، یعنی در ماده هفت اساسنامه دادگاه نورنبرگ و ماده شش اساسنامه دادگاه توکیو، قبلاً پیش بینی شده بود. تأکید ماده ۱۳ بر این است که موقعیت و مقام مباشر جرم در سلسله مراتب اداری - سیاسی هرگز نمی تواند اوضاع و احوالی تلقی شود که وی را از مسئولیتش مبری کند، یا به وی مصونیت حقوقی دهد - حتی اگر شخص مرتکب جرم ادعا کند که اعمال تشکیل دهنده آن جرم ناشی از اعمال مدیریت و یا در جهت انجام وظایف رسمی او بوده است.

گفتار دوم

مسئولیت کیفری بین المللی در پیش نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت،

همانطور که از عنوان پیش نویس برمی آید، مواد آن صرفاً به تعریف ابعاد مختلف مسئولیت بین المللی دولتها اختصاص دارد. کار تدوین آن با انتخاب آقای گارسیا - آمادور^{۲۹} در سال ۱۹۵۵، به عنوان گزارشگر ویژه، آغاز شد. مطالعات وی جنبه مقدماتی داشت و به هر حال منجر به تدوین طرح مواد مربوط به مسئولیت دولت نگردید. کمیسیون حقوق بین الملل قلمرو کار خود را درباره این طرح به سه بخش تقسیم کرد:^{۳۰}

29. Garcia Amador.

30. Cf. Rosenne (Shabatai), The International Law Commission's Draft Articles on State Responsibility, part 1, Arts- 1-35, Martinus Nijhoff publishers, the Netherlands, 1991, pp. 345 and seq.

بخش اول با عنوان «مبنای مسئولیت بین‌المللی» راجع است به اینکه در چه قلمروهایی، در چه مواردی و تحت چه اوضاع و احوالی، دولت ممکن است مرتکب عمل بین‌المللی نامشروع شده و از نظر بین‌المللی مسؤول تلقی گردد؛ بخش دوم تحت عنوان «محتوا، اشکال و درجات مسئولیت بین‌المللی»، اختصاص دارد به تعیین آثار ارتکاب عمل بین‌المللی نامشروع دولت در حقوق بین‌الملل: آثار تنبیهی- کیفری، آثار ترمیمی- ترمیم‌کننده، اشکال مادی ترمیم و ضمانت اجرا، رابطه میان آثار کیفری و آثار ترمیمی؛ و بالاخره بخش سوم راجع است به «اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت و حل و فصل اختلافات ناشی از آن».

کمیسیون حقوق بین‌الملل پروفیسور روبرتو آگو- استاد سابق دانشگاه رم و قاضی کنونی دیوان بین‌المللی دادگستری- را در سال ۱۹۶۳ به عنوان گزارشگر ویژه تعیین و وی را مأمور تدوین بخش اول طرح مربوط به مسئولیت دولتها نمود. آگو پس از حدود ده سال کار موفق شد پیش‌نویس بخش اول را که مشتمل بر ۳۵ ماده است نهایی نماید و در سال ۱۹۷۳ به کمیسیون تقدیم کند؛^{۳۱} کمیسیون بین‌سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۸۰ مواد بخش اول را بررسی و به تصویب رسانید، لیکن کار تدوین بخش‌های دوم و سوم هنوز ادامه دارد. به هنگام بررسی و تصویب پیش‌نویس بخش اول، کمیسیون با عنایت به ماهیت موضوع کار خود، یعنی «مسئولیت بین‌المللی دولتها»، و نیز حساسیتها و دل‌نگرانیهایی که ممکن است این موضوع برای دولتها در رابطه با حاکمیت و استقلال ملی بوجود آورد، سه ویژگی را در انشای متون مواد مورد توجه قرار داده است: خصیصه موسع مفهوم مسئولیت، به طوری که بتوان یکی از رسالت‌های کیفری و ترمیمی یا هر دو را برای مسئولیت دولتها در نظر گرفت؛^{۳۲} خصیصه

31. Cf. Arechaga (E. J. de), Tanzi (A), "La Responsabilité internationale des États", in Droit international, Bilan et perspectives, Tome 1 (M. Bedjaoui, Rédacteur général), Ed. Pédone, Paris, 1992, p. 368.

۳۲. به این موضوع در مقدمه همین مقاله، به هنگام تعریفهای مختلف از مسئولیت بین‌المللی، اشاره شده

سیاسی و دیپلماتیک و بالاخره خصیصه انتزاعی و کلی مواد و مفاد آنها،^{۳۳} به منظور جلب نظر موافق کشورها و تحقق اجماع و رفع نگرانیهای آنها از اینکه حاکمیت ملی در رابطه با مسئولیت بین‌المللی احتمالی آنها محدود شود. این ویژگیها در قانونگذاری داخلی وجود ندارد و در تدوین و تصویب قوانین و مقررات کیفری داخلی، عکس این روش رعایت می‌شود، بدین معنی که انشای مواد به صورت تفصیلی و در هر حال صریح بوده و جزئیات و حالات مختلف موضوع در متون تقنینی-اداری مشخص می‌گردد تا باب تفسیرها و برداشتهای قضایی متفاوت که در نهایت به ضرر حقوق و آزادیهای اساسی اصحاب دعوی یا متهم می‌باشد، بسته شود.

از نظر ساختار شکلی، پیش‌نویس بخش اول مواد مربوط به مسئولیت دولتها مشتمل بر پنج فصل است: فصل اول با عنوان «اصول کلی» شامل تعاریف و یک سلسله اصول اساسی است، یعنی اصل رابطه مسئولیت با هر عمل نامشروع بین‌المللی؛ اصل دو عنصری بودن هر عمل نامشروع بین‌المللی؛ فصل دوم با عنوان «عمل دولت در حقوق بین‌الملل» راجع است به عنصر ذهنی عمل نامشروع بین‌المللی؛ فصل سوم تحت عنوان «نقض تعهد بین‌المللی» به جنبه‌های مختلف عنصر عینی عمل نامشروع بین‌المللی می‌پردازد که با نقض یک الزام و تعهد بین‌المللی ایجاد می‌شود؛ فصل چهارم زیر عنوان «شرکت یک دولت در عمل نامشروع بین‌المللی یک دولت دیگر»، شامل مواردی است که یک دولت در ارتکاب جرم بین‌المللی دولت دیگر شرکت می‌کند و مسئولیت برای دولتی غیر از دولت مباشر عمل نامشروع بین‌المللی به وجود می‌آید؛ و بالاخره عنوان فصل پنجم «اوضاع و احوال زایل‌کننده خصیصه نامشروع عمل بین‌المللی» است و اختصاص دارد به احصاء و تعریف قوه قاهره، واقعه ناگهانی، حالت اضطرار، دفاع مشروع،... که مسئولیت مباشر عمل نامشروع بین‌المللی را از میان می‌برند.^{۳۴}

33. Reuter (p), Trois "observations sur la codification de la responsabilité internationale des Etats pour fait illicite", in Mélanges Virally, Paris, p. 389.

Rosenne (Sh), op. cit., pp. 247- 380.

۳۴. برای ملاحظه کل مواد طرح رک:

ماده ۱ پیش نویس، مبنای اصلی مسئولیت بین المللی دولت را از ارتکاب «عمل نامشروع بین المللی»^{۳۵} توسط دولت اعلام کرده است. ماده ۳، عناصر تشکیل دهنده عمل یک دولت را که از نظر بین المللی نامشروع است تعیین و تعریف کرده است: ۱. رفتاری که به موجب حقوق بین الملل متضمن فعل یا ترک فعل قابل انتساب به دولت باشد؛ ۲. آن رفتار، نقض یک تکلیف و الزام بین المللی دولت محسوب گردد. بنابراین، مسئولیت بین المللی دولت دو عنصر اساسی دارد. الف: تخلف از یک تکلیف و تعهد بین المللی ب: قابلیت انتساب تخلف به دولت در مقام تابع حقوق بین الملل. اولی یعنی رفتار نقض آمیز یا تخلف یا، به تعبیر کمیسیون حقوق بین الملل، عمل نامشروع که در واقع تخطی از موازین حقوقی است، عنصر عینی مسئولیت بین المللی دولت را تشکیل می دهد؛ دومی، یعنی قابلیت انتساب عمل نامشروع به دولت مرتکب، عنصر ذهنی مسئولیت بین المللی محسوب می شود. طبق مفاد ماده ۴، عمل یک دولت فقط ممکن است به وسیله «حقوق بین الملل»، به عنوان عملی که از نظر بین المللی نامشروع است، تعیین گردد. در مواد ۵ و ۸ به ترتیب، عمل یا رفتار هر ارگان را که به موجب حقوق داخلی آن کشور وابسته به دولت بوده و بنابراین ارگان دولتی محسوب می گردد و نیز رفتار اشخاص حقیقی که به نام یا به حساب دولت عمل می کنند، در حکم عمل دولت می داند. ماده ۱۷ به عدم تأثیر مبنا و منشأ تعهد بین المللی نقض شده در مسئولیت بین المللی دولت اشاره می کند: چه منبع تعهد و تکلیف، حقوق بین الملل عرفی باشد و چه حقوق بین الملل قراردادی - مبتنی بر معاهدات - و چه دیگر اسناد بین المللی، به محض نقض آن تعهد توسط دولت، عملی محسوب می شود که از نظر بین المللی نامشروع است. بدین ترتیب، مسئولیت دولتها که مبانی آن در بخش اول طرح پیش بینی شده است، در صورت تصویب نهایی و لازم الاجرا شدن شامل کلیه اعمال نامشروع بین المللی دولتهاي مباشر، مندرج در منابع مختلف عرفی و معاهداتی حقوق بین الملل، خواهد شد.

35. Internationally wrongful act.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرحهای گذشته، کوشش خود را مصروف تعریف و تدوین قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل موسوم به «قواعد اولیه» یا «قواعد ماهوی» (یعنی قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل که تکالیف معینی را برای دولتها در زمینه روابط بین آنها ایجاد می‌کند) کرده است. لیکن در پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولتها، کمیسیون به تعیین و تعریف «قواعد ثانویه»، یعنی قواعد و مقرراتی که شامل قلمرو مسئولیت و آثار ناشی از قصور در انجام تعهدات اساسی بین‌المللی (قواعد اولیه) می‌شود، پرداخته است.³⁶

از مواد جالب توجه این پیش‌نویس که در عین حال نوآوری مهمی در حقوق بین‌الملل نیز محسوب می‌شود، ماده ۱۹ می‌باشد که در بیست و هشتمین اجلاس کمیسیون - ۳ مه تا ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۶ - بررسی و با انشای کنونی آن به تصویب رسیده است.

پروفسور آگو، تدوین‌کننده طرح، با انشای ماده ۱۹ بر آن بوده است تا اعمال نامشروع بین‌المللی را با توجه به «اهمیت و دامنه تعهدات نقض شده» طبقه‌بندی کند³⁷ و بدین ترتیب برای نخستین بار در یک سند بین‌المللی، جرایم بین‌المللی را در دو دسته جنایت بین‌المللی و جنحه بین‌المللی از هم تفکیک نماید.³⁸ عنوان ماده ۱۹ یعنی «جنایات بین‌المللی و جنحه‌های بین‌المللی»،³⁹ خود گویای این تفکیک می‌باشد. به موجب بند ۲ ماده ۱۹، جنایت بین‌المللی، «عمل بین‌المللی نامشروعی است که با نقض یک تعهد یا الزام بین‌المللی توسط دولت به وجود می‌آید، و آن تعهد یا الزام برای حمایت و پاسداری از منافع اساسی جامعه بین‌المللی واجد آنچنان اهمیت حیاتی باشد که کل جامعه بین‌المللی نقض آن را جنایت تلقی کند». در حقوق جزای داخلی، معمولاً جرایم برحسب شدت و

36. Cf. Reuter (P), op. cit., p. 395.

37. Dupuy (P. M), le fait générateur de la responsabilité internationale des Etats, op. cit., pp. 55 et s.

38. گفتنی است که ژرژسِل، حقوقدان فرانسوی، در کتاب خود، حقوق ملل (Droit des gens) در ۱۹۳۴

برای نخستین بار اصطلاح «جنحه بین‌المللی» (le délit international) را به کار برده است.

39. International crimes and international delicts.

ضعف مجازاتها طبقه بندی شده اند و جنایت فعل یا ترک فعلی است که شدیدترین مجازات برای آن پیش بینی شده باشد؛^۲ بدین ترتیب معیار طبقه بندی جرایم، درجه و واکنشهای کیفری علیه مباشران آنها می باشد. لیکن طبق تعریف مذکور در بند ۲ ماده ۱۹، معیار اطلاق جنایت بین المللی به یک عمل بین المللی نامشروع، درجه اهمیتی است که تعهد یا الزام نقض شده برای منافع اساسی کل جامعه بین المللی دارد و نه میزان واکنشی که نقض چنین تعهدی به دنبال خواهد داشت.

متعاقب تعریف جنایت بین المللی، کمیسیون حقوق بین الملل در بند ۳ همین ماده در مقام ارائه «مصادیقی» از این نوع جرم بین المللی بوده است. به موجب بند ۳ «با توجه به مفاد بند ۲ و براساس قواعد و مقررات حقوق بین الملل جاری، یک جنایت بین المللی ممکن است، از جمله، از موارد زیر ناشی شود...».

همانطور که ملاحظه می شود نحوه انشای این بند بیانگر آن است که کمیسیون چند نمونه از جنایات بین المللی را به صورت «تمثیلی» احصاء و تعریف کرده است. از نظر مقایسه انشای این بند با انشای قوانین کیفری داخلی، باید گفت که به لحاظ نگرانی ناشی از رعایت حقوق اشخاص و اجتناب از تعقیب کیفری افراد بی گناه، انشای مواد در حقوق جزای داخلی معمولاً بسیار منجز و دقیق است، جرایم به صورت حصری احصاء می شود و خارج از جرایم پیش بینی شده در قانون جزا، هیچ فعل یا ترک فعلی قابل تعقیب نخواهد بود. بدیهی است که این دقت و صراحت کیفری از تبعات اصل قانونی بودن جرایم در حقوق جزای داخلی می باشد.

موارد احصاء شده، به عنوان جنایت بین المللی، در بند ۳ به این

شرح است:

الف. نقض شدید یک تعهد یا الزام بین المللی که برای حفظ صلح و امنیت بین المللی واجد اهمیت اساسی است، مانند الزام ناشی از منع

۴۰. مثلاً قانون مجازات عمومی سابق ایران (اصلاحی خرداد ۱۳۵۲) در ماده ۷ خود مقرر می داشت که:

«جرم از حیث شدت و ضعف مجازات بر سه نوع است: ۱- جنایت، ۲- جنحه، ۳- خلاف».

تجاوز،^{۴۱}

ب. نقض شدید تعهدی که برای تضمین حق ملت‌ها در تعیین آزادانه سرنوشت خود، اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد به منع استقرار یا حفظ سلطه استعماری با توسل به زور،^{۴۲}

ج. نقض جدی و شدید یک تکلیف بین‌المللی در مقیاس وسیع که برای نوع بشر دارای اهمیت اساسی است، مانند الزامات به منع برده‌داری، کشتار دسته‌جمعی و آپارتاید،^{۴۳}

د. نقض شدید یک تعهد بین‌المللی که برای حفظ محیط زیست انسانی و تضمین آن واجد اهمیت اساسی است، مانند الزامات ناشی از منع آلودگی گسترده جو یا دریاها.^{۴۴}

این موارد جنایی که پیرامون نقض شدید صلح، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و حقوق بشر یا میراث مشترک بشریت یعنی محیط زیست می‌باشد، قبلاً در طرح «قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری» نیز تکرار شده بود، لیکن در طرح «مواد مربوط به مسئولیت دولت»، عنوان «جنایت» یعنی crime، در معنای تخصصی آن، یعنی شدیدترین جرم به صورت آگاهانه به کار رفته است، زیرا گزارشگر ویژه در مقابل آنها به جنحه یعنی delict، که از شدت درجه خطرناکی کمتری در حقوق جزا برخوردار است، اشاره می‌کند. آیا منظور تدوین‌کننده طرح «قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری» از کاربرد crime، شدیدترین نوع جرم است (معنای تخصصی کیفری این عنوان) یا جرم به طور کلی (معنای عام کیفری این عنوان)؟ با توجه به اینکه دوازده جرم احصاء شده در طرح اخیر تحت عنوان crime آمده است، آیا منظور تدوین‌کننده و کمیسیون حقوق بین‌الملل این بوده است که همگی آنها از جمله شدیدترین جرایم بین‌المللی اند و بنابراین از نظر

۴۱. تجاوز قبلاً در قالب قطعنامه ۱۹۷۴ و نیز مقررات منشور سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده بود.

۴۲. این موضوع در بارگراف دوم ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد نیز پیش‌بینی شده بود.

۴۳. این جنایات قبلاً در قالب کنوانسیون پیش‌بینی شده بود.

۴۴. برای تفسیر این موارد رک: دیویوی (پی‌ار-ماری)، جرم بین‌المللی دولت، همان مأخذ.

حقوق کیفری باید جزو «جنایات» قلمداد شوند و رژیم کیفری واحدی نسبت به آنها اعمال گردد؟ به نظر می‌رسد که رعایت نکات فنی از این قبیل که در حقوق جزای داخلی برای تعیین رژیم مسؤلیت کیفری و مجازاتها اهمیت زیادی دارد، در حقوق بین الملل جزا از اهمیت و معنای معادلی برخوردار نباشد؟

بند چهار ماده ۱۹ پیش نویس «مواد مربوط به مسؤلیت دولت»، جنبه بین المللی را چنین تعریف می‌کند: هر عمل بین المللی نامشروع که مطابق با بند دو همین ماده جنایت بین المللی نباشد، جنبه بین المللی را تشکیل می‌دهد». تفکیک اعمال نامشروع بین المللی برحسب اهمیت یا شدت تعهد نقض شده قبلاً در اسناد و آرای قضایی بین المللی مورد توجه قرار گرفته است؛ مثلاً در معاهده کمکهای متقابل ۱۹۲۳ جامعه ملل، جنگ تجاوزکارانه را شدیدترین نوع عمل بین المللی نامشروع و متمایز از سایر اعمال نامشروع بین المللی اعلام می‌کند،^{۴۵} بدون اینکه در مقابل استفاده از وصف جنایت نسبت به جنگ، برای سایر اعمال نامشروع خفیف تر وصف جنبه را به کار ببرد. پاراگراف ۳۴ رأی ۱۹۷۰ دیوان بین المللی دادگستری در پرونده بارسلونا تراکشن نیز «به تفکیک عمده میان تعهدات دولتها نسبت به جامعه بین المللی در کل آن، و تعهداتی که در مقابل یک دولت دیگر، در چهارچوب حمایت دیپلماتیک به وجود می‌آید» اشاره می‌کند و آثار حقوقی آنها را چنین بیان می‌دارد «... تعهدات اولی به لحاظ ماهیتشان همه دولتها را شامل می‌شوند و با توجه به اهمیت حقوقی آنها، می‌توان کلیه دولتها را محق دانست که خواستار حمایت و پاسداری از این حقوق باشند». «لیکن در این رأی، وصفهای جنایت و جنبه بین المللی نسبت به تفکیک به عمل آمده میان «نقض تعهدات مهم برای کل جامعه بین المللی» و «نقض تعهدات در قبال یک دولت دیگر» بکار برده نشده است. و دقیقاً به همین جهت است که انشای ماده ۱۹ و تفکیکی که در آن، میان جنایت بین المللی و جنبه بین المللی

۴۵. رک به مقدمه همین نوشتار.

46. Arechaga (E. J. de), Tanzi (A), op. cit., p. 379.

صورت گرفته، نوآوری کمیسیون حقوق بین الملل محسوب می شود. بدین ترتیب، ارتکاب جنایت بین المللی به کلیه دولتهای عضو جامعه بین المللی مربوط می شود، بدین معنی که حتی اگر تعهد نقض شده که جنایت نام دارد، مستقیماً آنها را متضرر نساخته باشد، حق دارند توقف و قطع آن را خواستار شوند و مسأله مسئولیت بین المللی دولت ناقض تعهد و مباشر جنایت بین المللی را مطرح نمایند، زیرا تعهد نقض شده از نوع تعهدات در مقابل همه کشورهاست^{۴۸} و به همین لحاظ باید مشمول رژیم حقوقی متفاوتی از نظر مسئولیت قرار گیرند.^{۴۹}

جنبه بین المللی که «عمل نامشروع عادی» نیز توصیف شده است، در واقع تعهد بین المللی نسبت به یک دولت دیگر می باشد که در قالب یک رابطه ذهنی و شخصی دو طرفه متصور می باشد و بنابراین رژیم حقوقی مسئولیت بین المللی ناشی از آن در چهارچوب حقوق کلاسیک مسئولیت قرار می گیرد. در جنبه بین المللی، علاوه بر تخلف نسبت به یک تعهد بین المللی، وجود عنصر دوم یعنی ورود خسارت به دولت دیگر نیز ضروری است^{۵۰} و دولتی که مستقیماً از جنبه بین المللی متضرر شده، یعنی در واقع دولت مجنی علیه، باید تقاضای جبران خسارت، ترمیم یا قطع عمل نامشروع بین المللی جنبه را بنماید و نه سایر دولتهای عضو جامعه جهانی.

کمیسیون حقوق بین الملل در قالب ماده ۱۹ طرح مواد مربوط به مسئولیت دولت دو نوع جرم بین المللی، یعنی جنایت و جنبه، به وجود آورده است که هر یک بی تردید متضمن رژیم خاص مسئولیت بین المللی برای دولت مباشر آنها می باشد. لیکن ماهیت رژیم مسئولیت بین المللی

47. Obligations erga omnes.

۴۸. به هنگام تصویب مفاد ماده ۱۹، اعضای کمیسیون بر این اعتقاد بودند که به مفهوم جنایت بین المللی نباید، محتوی و رنگ کیفری در معنای حقوق جزای داخلی داد؛ و از سوی دیگر، این مفهوم را نباید با جرایم حقوق بین الملل که با عنوان جنایت (crime) در یک سلسله معاهدات و اسناد بین المللی پیش بینی شده است از قبیل جنایت جنگی، جنایت علیه صلح، ... قابل انطباق و معادل دانست. زیرا طبق این معاهدات و اسناد بین المللی، دولتها مکلفند افرادی را که مرتکب جرایم مندرج در آنها شده اند برابر قوانین و مقررات کیفری داخلی خود، دستگیر، تعقیب، محاکمه و مجازات کنند.

49. Arechaga (E. J. de), Tanzi (A), op. cit., p. 368.

دولت مرتکب یکی از این دو جرم بین المللی و نیز نوع و ماهیت ضمانت اجرای کیفری قابل اعمال نسبت به چنین دولتی را، برحسب اینکه عمل نامشروع بین المللی منتسب به آن از نوع جنایت باشد یا جنحه، مشخص نکرده است. ظاهراً کمیسیون این امر را در بخش دوم طرح مواد مربوط به مسئولیت دولت یعنی «محتوی، اشکال و درجات مسئولیت بین المللی دولتها» مورد بررسی قرار خواهد داد و ماهیت مسئولیت از نوع جدید و آثار کیفری آن را بعدها تعیین خواهد نمود.⁵⁰ شاید بتوان گفت که این موضوع، به لحاظ حساسیت دولتها در رابطه با حاکمیت ملی آنها، از دشوارترین مقوله های پیش نویس کمیسیون راجع به مسئولیت بین المللی دولتهاست و به مناسبت بحث و تبادل نظر درباره محتوی، ماهیت و آثار کیفری آن، دیدگاههای عمیقاً متفاوتی از سوی اعضا کمیسیون که در نهایت نمایندگان دولتهای متبوع خود هستند ابراز خواهد شد. به نظر می رسد که ماهیت مسئولیت بین المللی دولت مباشر جنحه بین المللی، مدنی باشد و چنین دولتی صرفاً مکلف به ترمیم خسارت و اعاده وضع به حالت سابق باشد؛ لیکن در خصوص جنایت بین المللی، عده ای از نویسندگان معتقدند که با توجه به اینکه بخش دوم طرح مسئولیت دولتها که مربوط به اشکال مختلف مسئولیت می باشد هنوز توسط کمیسیون تدوین و تصویب نشده و با عنایت به عدم صراحت مذاکرات و مباحثات کمیسیون پیرامون ماده ۱۹ می توان گفت که مسئولیت بین المللی جدید دولتها ناشی از ارتکاب جنایت بین المللی، از نوع کیفری نیست، زیرا مسئولیت کیفری بین المللی در حقوق بین الملل جزای موجود هنوز محدود به افراد است،⁵¹ یعنی حتی اگر فرد به نام یا به عنوان کارگزار یا عامل یا نماینده دولت متبوع خود مرتکب جنایت بین المللی موضوع ماده ۱۹ گردد، مسئولیت کیفری بین المللی برای او ایجاد خواهد شد و نه مسئولیت کیفری دولت. لیکن محاکمه و مجازات کارگزار یا نماینده یک دولت در رابطه با جنایت بین المللی ارتكابی که در نهایت قابل انتساب به دولت باشد،

50. Dupuy (P.- M.) le fait générateur de la responsabilité des Etats, op. cit., p. 44.
51. Stern (B), op. cit., p. 339.

چنین دولتی را از پرداخت یا ترمیم خسارات یا اعاده وضع به حالت عادی مبری نمی کند و مسئولیت مدنی بین المللی دولت متخلف نه فقط در قبال دولت متضرر یا مجنی علیه، بلکه در مقابل کلیه دولتهای عضو جامعه بین المللی به قوت خود باقی است.

نتیجه گیری

معاهده صلح و رسای و همچنین ابتکار قضایی کیفری متفقین علیه آلمان و ژاپن سنگ بنای نهاد حقوقی مسئولیت بین المللی دولتها محسوب می شوند. متعاقب آن، حقوق بین الملل عمومی، اصول و ابزارهای حقوقی را درباره اعمال نامشروع بین المللی دولتها در قالب تدوین و تصویب معاهدات مختلف ایجاد کرده، لیکن هیچ قاعده حقوقی واحدی - آنطور که در حقوق جزای داخلی معمول می باشد - در خصوص مسئولیت کیفری دولتها پیش بینی نکرده است.

در طرحهای کمیسیون حقوق بین الملل - به ویژه در پیش نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت - جنایت بین المللی از جنبه بین المللی تفکیک شده است، لیکن موضوع مسئولیت کیفری دولتهای مباشر جنایت بین المللی و آثار کیفری آن برای چنین دولتهایی مسکوت گذاشته شده است. این سکوت حاکی از وجود موانعی بر سر راه مأموریت کمیسیون حقوق بین الملل در تأسیس نهاد مسئولیت کیفری بین المللی دولت بوده است: مانع اول ناشی از نهاد بین المللی دیگری یعنی «حاکمیت ملی دولتها» بوده است.

این نهاد، در مقیاس وسیع تر، یکی از علل اصلی بطنی بودن توسعه و تدوین حقوق بین الملل عمومی به شمار می آید، لیکن تأثیر کند کننده آن در توسعه حقوق بین الملل جزا محسوس تر و شدیدتر است: در واقع، برای اکثر دولتهای عضو سازمان ملل متحد، تصور اینکه روزی به اتهام ارتکاب جنایت بین المللی در یک دادگاه کیفری بین المللی به استناد قانون

بین الملل جزا که خود در قالب معاهده یا سند بین المللی دیگری ایجاد و تصویب کرده باشند محاکمه، محکوم و در نهایت مجازات شوند بسیار دشوار و غیر قابل قبول است. جنبه ترهیبی مجازات ناشی از اجرای مسئولیت کیفری بین المللی و جنبه تزدیلی و تقبیحی محکومیت کیفری در سطح بین المللی، بی تردید باعث شده تا دولتها ترجیح دهند همچنان در حصار حاکمیت ملی خود باقی بمانند. از سوی دیگر تصور اراده و قصد مجرمانه و وجود عنصر مادی، به ویژه در جرایم علیه اشخاص که ارتکاب آنها نیاز به نیروی فیزیکی دارد، برای دولت و نیز اعمال مجازاتهای ترهیبی (مثلاً مجازات سالب آزادی، مجازاتهای بدنی) به آن، به عنوان یک شخص حقوقی، نیز دشوار است،^{۵۲} بنابراین انتساب ارتکاب جنایت بین المللی به دولت، از طریق عامل انسانی واسطه میان دولت و جنایت

۵۲. در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی رک:

Pradel, (Jean), Droit pénal, Ed. Cujas, Paris, 1984, pp.415- 466;

گفتنی است که ماده ۱۲۱.۲ قانون جزای جدید فرانسه، مصوب ژوئیه ۱۹۹۲ که از اول مارس ۱۹۹۴ به اجرا گذاشته شده است، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی موضوع حقوق خصوصی و حقوق عمومی، بجز دولت را بیش بینی کرده است. این اشخاص فقط برای جرایمی که در قوانین و مقررات صراحتاً ذکر شده است و بوسیله عاملین یا نمایندگان آن اشخاص و به حساب آنها ارتکاب می یابند، مسئولیت کیفری خواهند داشت.

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، موجب زوال مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی - مباشر یا شریک - در ارتکاب همان جرم یا جرایم نمی شود. بدین ترتیب امکان ایجاد مسئولیت کیفری و نتیجتاً مجازات برای اشخاص حقوقی و حقیقی به طور همزمان وجود دارد. علاوه بر جرمه که به عنوان مجازات در کلیه موارد نسبت به اشخاص حقوقی قابل اعمال است، کیفرهای دیگری نیز پیش بینی شده است که قانون باید در مورد هر جرم ارتكابی، نوع و میزان آنها را مشخص کند. از قبیل: انحلال، ممنوعیت ادامه فعالیت، تحت نظارت قضایی قرار گرفتن، ممنوعیت شرکت در مزایده ها یا مناقضات دولتی به طور موقت یا دائم، ضبط و توقیف اموال، انتشار رأی محکومیت در رسانه های گروهی... (مواد ۱۳۱.۳۷ تا ۱۳۱.۴۹).

در خصوص مسئولیت کیفری بین المللی دولت رک: حسینی نژاد (دکتر حسینی)، حقوق کیفری

بین الملل، انتشارات میزان، ۱۳۷۳؛ فرانسوین (ژاک)، جنایات جنگ و جنایات علیه بشریت، ترجمه

دکتر محمدعلی اردبیلی، مجله حقوقی، شماره ۷، سال ۱۳۶۵، ص ۲۳۱ و بعد. همچنین رک:

Huet (A), Koering-Joulin (R), Droit pénal international, Ed. PUF, Paris, 1994.

بین‌المللی ارتكابی، یعنی نماینده، کارگزار یا رئیس دولت و حکومت که در مقام تحقق نیت و نقشه‌های دولت متبوع خود مرتکب عمل نامشروع بین‌المللی شدید شده است، ممکن به نظر می‌رسد و بنابراین مسؤلیت کیفری بین‌المللی شخص عامل دولت و بنابراین مجازات وی جنبه عملی دارد.

مانع دیگر را که به طور کلی برای توسعه و تکوین قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل عمومی نیز صادق است، باید در ماهیت نظم بین‌المللی سابق، مبتنی بر نظام دو قطبی، جستجو کرد. اکثر معاهدات بین‌المللی و به ویژه کلیه طرح‌های کیفری کمیسیون حقوق بین‌الملل - از جمله پیش نویس مواد مربوط به مسؤلیت بین‌المللی دولت - در هنگامه جنگ سرد و رقابت نظامی - سیاسی - ایدئولوژیک دو ابرقدرت سابق تدوین شده است. آیا سیاست کنونی حاکم بر کمیسیون، پس از فروپاشی نظام دو قطبی و پایان جنگ سرد، با سیاست‌های پیشین آن متفاوت خواهد بود؟ آیا نظام بین‌المللی کیفری به صورتی که در طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل مورد بررسی و تصویب موقت قرار گرفته است، از عوامل مؤثر در پیدایش و پاسداری از نظم نوین بین‌المللی که این روزها بحث محافل سیاسی - دانشگاهی است، نخواهد بود؟ این پرسشها را آینده پاسخ خواهد داد.

لیکن خلایق که بیش از پیش در سطح جهانی احساس می‌شود، فقدان یک نظام بین‌المللی کیفری متحد، منسجم، مؤثر و عملی است. این وضعیت بیش از گذشته زمینه‌های مساعدی را برای دولتهای «مجرم» و «جنایتکار»، به معنای خاص کلمه، فراهم آورده است. این قبیل دولتها با اطمینان از عدم کارایی ابزارهای حقوقی کیفری حقوق بین‌الملل موضوعه به ارتکاب جنایات بین‌المللی در گوشه و کنار جهان ادامه می‌دهند. کثرت این نوع جرایم بین‌المللی و عدم مجازات مباشران آنها، باعث شده است تا افکار عمومی جهان به تدریج از خبر ارتکاب آنها شگفت‌زده نشود و به عبارتی، به دریافت روزانه این نوع خبرها خو گرفته باشد. آیا این خود دلیلی بر شکست رسالت اصلی حقوق بین‌الملل نیست؟ آیا این موضوع

دلیلی بر غیرقابل انتقال بودن نظام کیفری داخلی و مفاهیم حقوقی آن در سطح جهانی و در نظام بین المللی کیفری نیست؟ آنچه که با اطمینان می توان ادعا کرد این است که فرآیند توسعه و تکوین حقوق بین الملل جزا در نیم سده گذشته، علیرغم گامهای مهمی که کمیسیون حقوق بین الملل، به ویژه طی سالهای اخیر، در جهت ابزارمند و کارا ساختن آن برداشته، تدریجی و بسیار کند بوده است.